

فَرَاز



«ویژہ نامہ فرہنگی سیاسی اجتماعے
جامعہ اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز»

فرار رو به جلو برای پاک کردن صورت مسئله!

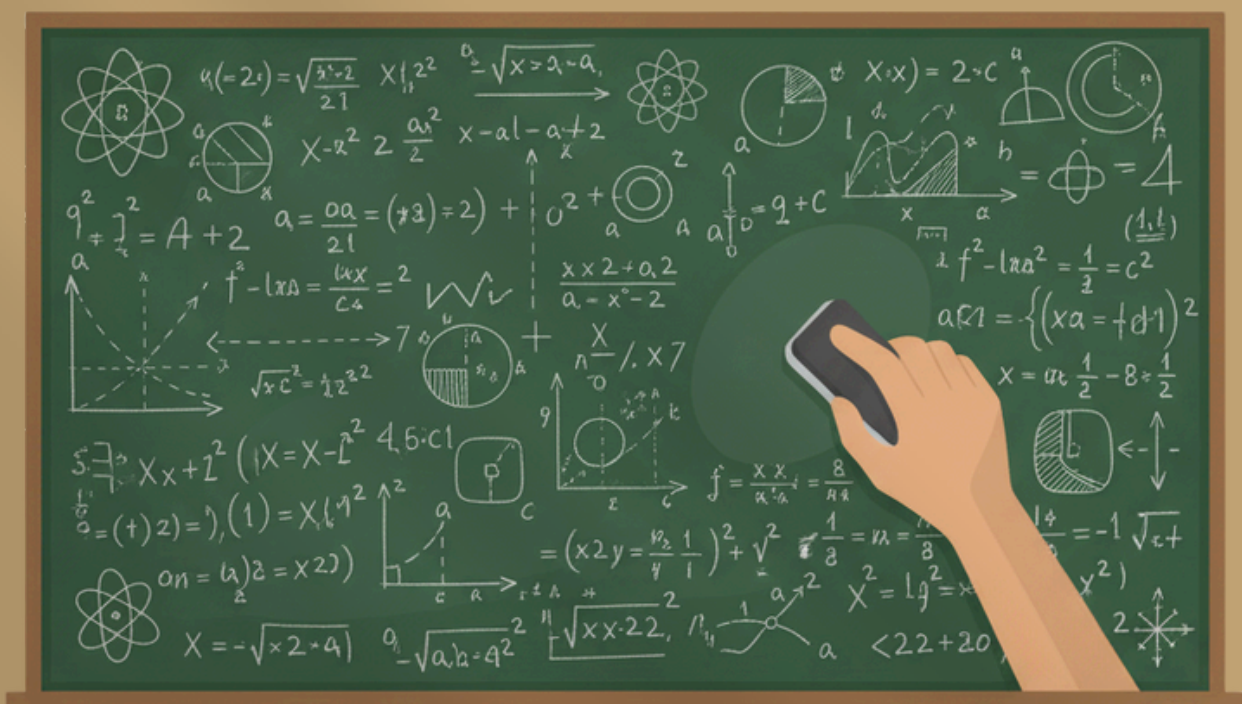
در روزهای اخیر که آمریکا و اروپا رسماً از فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» و پایان برجام سخن می‌گویند، برخی همچنان نمی‌خواهند، بپذیرند که راه‌حل مشکلات کشور در داخل است نه در مذاکره با دشمنان خارجی.

این جریان طبق معمول با متهم‌کردن کارشناسان و برجسب‌زنی سیاسی، می‌کوشد واقعیت را وارونه جلوه دهد؛ رویه‌ای که از همان ابتدای امضای برجام آغاز شد: هرگاه آمریکا به تعهدات خود عمل نمی‌کرد، این طیف به‌جای نقد طرف مقابل، انگشت اتهام را به‌سوی رقیب‌های داخلی نشانه می‌گرفت و حتی «شعار روی موشک» را بهانه می‌کرد.

این در حالی بود که رهبر انقلاب از همان ابتدا هشدار داده بودند: «به غربی‌ها نمی‌توان اعتماد کرد.» ایشان تجربه چند دهه مذاکره با آمریکا و اروپا را دلیل بدعهدی آنان دانسته بودند. با وجود این، جریان موسوم به «اصلاح‌طلب» تأکید می‌کرد: «هر توافق بهتر از عدم توافق است.» و امضای وزیر خارجه آمریکا (جان کری) را تضمینی اساسی می‌خواند؛ اما همان روزهای نخست پس از توافق، با نقض تعهدات غرب و وجود بندهایی چون «مکانیسم ماشه» (بند ۳۷ برجام) ضعف این قرارداد روشن شد.

با وجود این، حامیان برجام نه‌تنها انکار کردند بلکه منتقدان را با برجسب‌هایی چون «تندرو» و «دل‌واپس» به سکوت واداشتند.

امروز که مکانیسم ماشه به‌گفته‌ی عراقچی، وزیر خارجه وقت، رسماً «برجام را دفن کرده»، همان جریان سیاسی باز هم به‌جای پاسخ‌گویی، در پی انحراف افکار عمومی است.



این پرسش‌ها هنوز بی‌پاسخ مانده است؟!

مگر جواد ظریف در صحن مجلس نگفت که در
برجام لفظ «تعلیق» وجود ندارد و همه تحریم‌ها
لغو خواهند شد؟

مگر وجود مکانیسم ماشه را به‌طور قطعی در
رسانه ملی تکذیب نکرد؟

مگر روحانی نگفت که با امضای برجام، همه
تحریم‌ها «بالمّرّه» لغو می‌شود؟

پس از ده سال چه شد؟ آیا آمریکا از برجام خارج نشد؟ تحریم‌های تازه اعمال نشد؟
حتی ترور سردار سلیمانی، دانشمندان هسته‌ای و حمله مستقیم به ایران رخ نداد؟

اما باز هم مقصر منتقدان معرفی می‌شوند نه غرب!

وقتی رهبر انقلاب در پاسخ به تهدید ترامپ فرمودند: «اگر تو برجام را پاره کنی، من آتشش می‌زنم.»
روحانی نه تنها حمایتی نکرد بلکه با حمله به مواضع ایشان، پیامی غلط به غرب فرستاد: «ایران تحت
هر شرایطی در توافق می‌ماند، حتی اگر هیچ‌یک از طرف‌های ۵+۱ تعهداتشان را اجرا نکنند.»

امروز هم در حالی که کشور هزینه‌های سنگینی از برجام و تحریم‌ها و ترور فرماندهان پرداخته است،
همین جریان سیاسی به جای پاسخ‌گویی، با پروپاگاندا طیف انقلابی را متهم می‌کند و حتی آنان را به
«پای‌کوبی» برای شکست برجام متهم می‌سازد؛ اما آیا در این شرایط بحرانی کسی مجال شادی را
دارد؟ معیشت و تورم ناشی از سیاست‌های غلط اقتصادی جایی برای نشاط گذاشته است؟

واقعیت آن است که جریان انقلابی از روز امضای برجام تا امروز، هرگز روی شادی به خود ندیده است. همان روزها که اصلاح‌طلبان و حتی برخی اصول‌گرایان، پایان تحریم‌ها و برجام را به‌عنوان دستاوردی بزرگ به ملت تبریک می‌گفتند. [که این تبریک‌ها را رهبری به صراحت نقد کردند و نفر اول تیم مذاکره‌کننده را «امیرکبیر زمان» نامیدند.]

صاحب‌نظران آگاه به مسئله، با نگرانی هشدار می‌دادند؛ هشدارهایی که هیچ‌وقت شنیده نشد.

امروز بار دیگر آشکار شد: طرف مقابل به‌راحتی می‌تواند زیر امضای خود بزند، به تعهدات پشت کند و حتی در جریان مذاکرات، به ایران حمله نظامی کند.

در چنین وضعیتی، برای جلوگیری از وقوع چندباره این تجربه تلخ و تکرار تجربه‌های مشابه در آینده، مطالبه مردم از مسئولان وقت ضروری است. [به خصوص دانشجویان که به تعبیر شهید بهشتی «موزن‌های مملکت» هستند.]

مسئولان وقت باید بابت عملکرد خود پاسخگو باشند و به عملکرد آنها چه از روی سهل‌انگاری و چه حتی خیانت، رسیدگی شود و مانند روزی که برای برجام با سکه‌های طلا از آنها تقدیر شد، امروز هم همانها پاسخگو باشند. این خواسته‌های بدیهی و حق طبیعی هر ایرانی وطن‌دوست است؛ البته اگر وفاق بگذارد این کار انجام شود.

و در نهایت آیا مذاکره مجدد با آمریکا راهگشا است؟

پاسخ این پرسش را در سخن رهبر معظم انقلاب می‌توان یافت:

«مذاکره با آمریکا عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست. دلیل؟ تجربه!»